

تبادر و احتمال غلط

در مواردی :

قطع داریم ← معنایی از لفظی خاص، متبادر می شود

احتمال می دهیم ← این معنا، معنای حقیقی لفظ نباشد و مرتکب اشتباه شده باشیم

مقدمه اول :

تعریف «علامت» ← چیزی است که از علم به آن، به علم به چیزی دیگر می رسیم

گاهی **«معلول»** علامت است ← اگر از علم به معلول به علم به علت رسیدیم
گاهی **«علت»** علامت است ← اگر از علم به علت به علم به معلول رسیدیم

همیشه آتش ← علت دود است

۱

گاهی علم به آتش ← علت علم به دود / شک در آتش ← علت شک در دود

۲

گاهی علم به دود ← علت علم به آتش / شک در دود ← علت شک در آتش

۲

مقدمه دوم

۱. **گاهی** : هم امکان علم به معلول هست و هم امکان علم به علت

مثال : مثل مثال آتش و دود

۲. **گاهی** : علم به علت جز از طریق علم به معلول ممکن نیست

مثال : علم به شجاعت زید تنها از طریق علم به رفتارهای اوست

۳. **گاهی** : علم به معلول جز از طریق علم به علت ممکن نیست

مثال : مثلاً ما کسی را می بینیم که دارویی سمّی می نوشد و دیگر او را نمی بینیم در اینجا

علم به معلول (علم به مرگ) از طریق علم به علت است

مقدمه سوم

از میان علم به انسباق حاق لفظ و علم تفصیلی به آن
کدام یک علت (علامت) و کدام یک معلول هستند؟

مقدمه چهارم

برای اینکه علم پیدا کنیم که انسباق از حاق لفظ است راهی نداریم جز اینکه :

علم تفصیلی به حقیقت پیدا می کنیم

چراکه: وقتی یقین به اصل تبادر داریم ولی درعین حال احتمال می دهیم معنای متبادر شده غلط باشد، فی الواقع شک در حقیقت علت می شود برای شک در انسباق من حاق لفظ

پس: فی الواقع آنچه علت است علم به حقیقت است برای علم به تبادر من حاق اللفظ و نه آنکه انسباق من حاق لفظ علت برای علم به حقیقت باشد

نتیجه

علم اجمالی به حقیقت ← علت **انسباق**

علم به علم اجمالی به حقیقت (علم تفصیلی) ← علت **علم به انسباق من حاق لفظ**

پس : انسباق من حاق لفظ علامت حقیقت نیست.